

دانشگاه

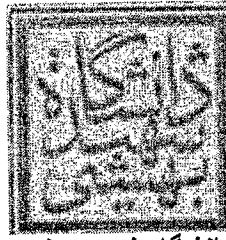
۸۷/۱/۱۰۲۰۲۲  
۸۷/۱/۱۰۲۳

این رساله در تاریخ ۱۶/۶/۱۳۸۶

با شماره ۱۸/۵ همبره و نیم و درجه ۵

عالی (کام) شد و مجلدات رساله

در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۳۸۶ تحویل گرفته گردید.



دانشگاه شهید بهشتی

پایان نامه کارشناسی ارشد

تاریخ ایران در دوران اسلامی

علی اصغر مصدق رشتی

موضوع:

حاکمیت پهلوی اول و مسأله هویت ملی

استاد راهنما:

دکتر علی اصغر مصدق رشتی

استاد مشاور:

دکتر قباد منصور بخت

استاد داور:

دکتر محمد علی اکبری

پژوهشگر:

پروانه وحید منش

سال تحصیلی: ۱۳۸۶

۱۰۶۶۰۸

دکتر علی اصغر مصدق رشتی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۲۰

به او که اولین بار کتاب را به دستم داد

گرداننده محمد شمس

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱ - ۶
فصل اول: تعاریف و مفاهیم .....	۸ - ۳۲
هویت چیست؟ .....	۹
هویت ملی چیست؟ .....	۱۸
ملت چیست؟ .....	۲۴
فصل دوم: ریشه های تاریخی هویت مندی ایرانیان .....	۳۳ - ۹۶
هویت ایرانی پیش از ورود اسلام .....	۳۴
تداوم و تحول در هویت ایرانی پس از ورود اسلام .....	۴۳
اولین زمزمه گرایان ملی گرایی .....	۵۰
عملگرایان .....	۵۱
نظریه پردازان .....	۵۹
مشروطه و رشد مفهوم ملی گرایی .....	۸۰
نسل کاوه .....	۹۴
فصل سوم: نقش حکومت پهلوی اول در شکل دهی هویت ملی .....	۹۷ - ۱۵۶
مقدمه .....	۹۸
حکومت مطلقه رضاشاهی ؛ ضرورت ها و الزامات .....	۱۱۷
هویت ملی در ساختار مدرن سازی جامعه .....	۱۲۶
فصل چهارم: مساله هویت ملی و رویکردهای جامعه به آن .....	۱۵۷ - ۱۷۲
نخبگان فرهنگی و مساله هویت ملی .....	۱۵۸
نتیجه .....	۱۷۳ - ۱۷۶
فهرست منابع و مطالعات .....	

## مقدمه

موضوع این پژوهش مساله‌ای است که در ساختار مفاهیم جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی می‌توان دنبال پاسخ برای آن گشت. در بعد سیاسی آن، اقدامات یک حاکمیت در برهه زمانی مشخص در خصوص ساماندهی به ایدئولوژی حکومت خویش و بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهت هویت بخشی به جامعه و ملت، مساله ایست که این پایان نامه به دنبال پاسخ به آن است.

انگیزه اصلی توجه به این موضوع اهمیت داشتن مساله هویت ملی و یافتن ریشه‌های آن در جامعه ایرانی است. با توجه به اهمیت این مساله در جامعه چند قومیتی ایران و جریان‌های جدایی طلبی و نیز مساله بحران‌های هویتی که در تاریخ ایران به کرات می‌توان جامعه را با آن مواجه دید یک بررسی کلی به شکلی تاریخی از این تعریف ضروری می‌نمود. برای رسیدن به پاسخ‌هایی که دغدغه پژوهش‌گر بود. اگر چه پیش از این پژوهش‌هایی در این زمینه صورت پذیرفته بود لیکن نگارنده معتقد است زاویه دید این پژوهش با دیگر تحقیقات و مطالعات تفاوت اساسی دارد. طراحی مساله این پژوهش به شکل زیر سامان گرفت.

محدوده پرداختن به این موضوع از ابتدای دوران حاکمیت پهلوی اول تا استعفای وی از قدرت است. (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ شمسی). گرچه فصل دوم زمینه‌هایی را بررسی می‌کند که در روشن شدن فضای کار کمک رسان است.

### طرح مسأله

مسأله هویت ملی و پرداختن به آن با رویکردی حکومتی، علی‌رغم ریشه‌هایش در متون دوران مشروطه، یک پدیده منحصر بفرد متعلق به عهد پهلوی اول بود که از اواخر دوره مشروطه و با بروز نابسامانی‌های سیاسی که در دو بعد استقلال ملی و وحدت و همبستگی ملی وجود داشت پرداختن به آن اجتناب‌ناپذیر بود و رضا شاه به آن جامه عمل پوشاند. بررسی روند شکل‌گیری هویت جدید ایرانی، حساسیت‌ها و نظرگاه‌ها در دوران پهلوی اول از دو جنبه‌نخبگان حکومتی و روشنفکران و نیز اقدامات حکومت در سامان بخشی آن، موضوعی است که اگر چه سابق بر این بصورت جسته و گریخته بدان پرداخته شده است لیکن در شکل یک پایان‌نامه مستقل و با تکیه بر عنصر اصلی هویت ملی در یک دوره مشخص تاریخی (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) پژوهشی صورت‌نپذیرفته بود. از این رو رساله حاضر این موضوع را وجهه نظر خود قرار داده است.

### پیشینه تحقیق

بر آورد کلی از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت نشان داد که پژوهش‌های موجود در زمینه هویت ملی غالباً محدود به تعاریف جامعه‌شناختی بوده و از پرداختن به وجه تاریخی آن با تکیه و موشکافی در بعد سیاسی و فرهنگی غالباً تلاش دارند تا پژوهش را بر پایه دوران مدرن بنیان نهند. آنچه نگارنده به آن توجه داشت تطور مفهوم هویت ملی از شکل جنینی و عاطفی آن در جامعه

ایران که از زمان باستان آغاز می‌شود تا تبدیل شدن اش به ایدئولوژی حاکمیت در راستای وحدت بخشی و یکپارچگی بود. در این زمینه، یعنی در خصوص هویت ملی در عصر پهلوی اول رساله ای که با وجهه نظر تاریخی بخواند به این مفهوم پردازد وجود نداشت و پرداختن به آن ضروری می‌نمود

### سؤالات

سوال اصلی که این رساله بر مبنای آن شکل گرفته است عبارت است از اینکه حاکمیت

پهلوی اول چگونه به شکل دهی هویت جدید ایرانی در چارچوب دولت مقتدر مدرن پرداخت.

سؤالات دیگری که این رساله شاکله آن بر بنیان آنان شکل گرفته است عبارتند از:

(۱) تکوین مفهوم ملت در ایران چگونه بود؟

(۲) ریشه‌های اصلی پردازش به هویت ملی در سیر تاریخی آن چه عناصری بودند؟

(۳) نخبگان این عصر به مساله هویت ملی و عناصر آن اعم از تمامیت ارضی، وحدت ملی،

زبان فارسی و غیریت سازی چگونه پرداختند؟

(۴) آیا هویت ملی مد نظر حکومت پهلوی اول با اقداماتی انجام گرفت به ثمر رسید؟

### فرضیه ها

فرضیه‌هایی که در پاسخ به سوالات بالا مطرح شده اند به این شرح هستند:

(۱) اگرچه این مفهوم در طول تاریخ ایران با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بود، اما مفهوم

ملت با معنای جدید و مبتنی بر تعریف آن در مغرب زمین از اواخر عهد ناصری در

محافل ایرانی مطرح و در تمام دوران مشروطه با تعبیر متعدد روبرو بود لکن حکومت

پهلوی اول موجد مفهوم جدید آن و قوام بخش آن در شکل جدیدش شد.

۲) نگارنده معتقد است که عناصر اصلی شکل دهنده هویت ملی که حکومت پهلوی نیز از آنها برای شکل دهی به حکومت اقتدارگرای خویش بهره برد زبان فارسی، تاریخ ایران زمین (تاریخ ایران باستان)، مرزهای سرزمینی، کم رنگ سازی عنصر مذهب برای قوت بخشیدن به عنصر ملیت و غربی شدن بر مبنای حکومت مرکزی مقتدر بودند.

۳) نگارنده معتقد است که نخبگان این عصر تحت تاثیر ناسیونالیسم رمانتیک غرب در بسیاری از موارد به شکل کاملاً افراط گونه‌ای به ایرانیت و مبحث هویت ملی پرداختند. هرچند نمی توان ناسیونالیسم ایرانی را ناسیونالیسم تهاجمی دانست. نخبگان این عصر برای رسیدن به دولت جدید و مفهوم ملت تاکید بسیار داشتند.

۴) در طی دوران رضاشاهی هویت ملی مد نظر او در بسیاری از عرصه ها توانست درونی گردد؛ اما در بسیاری از جنبه ها هم چون ابزارهای بکار گرفته شده توسط رژیم وی سرکوبگرانه بود پس از استعفای وی از حکومت توانست دوام بیاورد و بازگشت به اصل خود صورت گرفت.

هدف اصلی از این پژوهش موشکافی روند شکل گیری هویت جدید ایرانی بود؛ از آنجا که این روزها هویت ملی ایرانیان مدام مورد سؤال قرار می گیرد و مورد تعرض واقع می گردد و نیز در روزهایی بسر می بریم که تمامیت ارضی ایران با نغمه‌های جدایی طلبانه بعضی از گروه‌های اقوام مرزنشین مورد تهدید قرار می گیرد و این جریان‌ات سنگ بناهای غلط در عهد پهلوی اول اعم از سرکوبها، تحمیل زبان فارسی و سیاست‌های مذهبی وی را دخیل در اجحاف‌های بعدی به خود می‌دانند نگارنده مصمم شد تا به بررسی عملکرد پهلوی اول در خصوص چگونگی هویت سازی جدید ایرانی به بررسی این مساله بپردازد.

از آنجا که عهد پهلوی اول و مساله هویت ملی به طور مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است و نیز با توجه به اهمیت این موضوع ، پرداختن به این موضوع می‌تواند گامی در توجه به مساله باشد.

از آنجا که مسأله هویت ملی در دوره ۱۶ ساله حکومت پهلوی اول موضوع بسیار گسترده بود، پرداختن به سرفصل‌های اساسی آن مد نظر قرار گرفت تا بشود در حد یک پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد به آن پرداخته شود.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش یک روش کاملاً تاریخی و مبتنی بر کار کتابخانه بود. استفاده و بررسی کتب ، سفرنامه ها ، روزنامه ها و مجلات و اسناد مربوط به آن عصر در یک مطالعه تاریخی صورت پذیرفت. اگرچه می‌توانست این پژوهش به آمارها و نمودارها نیز پر بار شود اما گستردگی بخش روایی و تاریخی‌اش نگارنده را از پرداختن به آن منصرف ساخت

### سامان تحقیق

این رساله از چهار فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است :

- فصل اول به تعریف مفاهیم اساسی که این پژوهش بر آن شکل گرفته است می‌پردازد. نگارنده تلاش دارد تا با پرداختن به این مفاهیم مسیر کار را در ادامه کار هموار کرده، خواننده را با مشکل در تعاریف نسازد. سه مفهوم هویت، هویت ملی و ملت مفاهیم هستند که به شکل جامعی در این فصل شرح داده شده‌اند.



- فصل دوم این پایان نامه تلاش دارد به بررسی ریشه های تاریخی هویت مندی ایرانیان در طول تاریخ بپردازد. در این فصل نگارنده به دلیل اهمیت دوران باستان و شکل گیری ریشه های ابتدایی هویت ملی در این عصر بخش اول کار را به این دوران اختصاص داده و در بخش دوم هویت مندی و تحول و تطور آن را در دوران اسلامی مورد بررسی قرار می دهد. بخش سوم نخستین زمزمه گران هویت جدید و دوران مدرن جامعه ایران را مورد موشکافی قرار می دهد که با پایان یافتن مشروطه این فصل نیز به پایان می رسد
- فصل سوم این نگارش که بدنه اصلی کار است به نقش حکومت پهلوی اول در شکل دهی به هویت ملی ایرانی توجه داشته و آن را از جنبه های متعددی بررسی می کند
- فصل چهارم مساله هویت ملی و رویکردهای جامعه را مورد مذاقه قرارداده و به نقش نخبگان فرهنگی و پرداختن به آن به عنوان یک دغدغه فرهنگی می پردازد

**فصل اول:**

**تعاريف و مفاهيم**

## هویت چیست؟

هویت یا «الهویه» کلمه‌ای عربی است. این کلمه از «هو» یعنی او که ضمیر غایب مفرد مذکر است می‌آید. معنای این اسم اتحاد به ذات یا انطباق با ذات است. محمد علی فروغی در سیر حکمت در اروپا در برابر کلمه فرانسوی Identite (انگلیسی: Identity) کلمه «این‌همانی» را به جای هویت متداول عربی به کار برده است.<sup>۱</sup> با این حال تصویب این واژه در فرهنگستان اول دوران رضا شاه نتوانست جایگزین واژه عربی هویت شود. هیچ پدیده‌ای (phenomenon) در عالم وجود ندارد که دارای هویت نباشد با این حال مسأله مهمی که وجود دارد آن است که این پدیده تا چه حد منطبق با ذات خویش است. پدیده‌های فیزیکی و طبیعی از آنجا که قائم به ذات خویش و خارج از دایره تعصبات انسانی هستند غالباً تعریف مشخص و واضح تری می‌توان از هویتشان ارائه نمود، اما پدیده‌های اجتماع انسانی را نمی‌توان به آسانی تعریف کرد. ماهیت، کیفیت و هویت آنها در ظرف زمان و مکان متغیر هستند و چگونگی رویکرد ما نیز به هر یک از آنها در همین قالب دچار تطور،

---

۱- فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات زوار، تهران، چاپ هفتم ۱۳۷۹، صفحه ۲۷۶

تحول و تغییر می شود. علت پیچیدگی هویتی پدیده های اجتماعی و انسانی را در امور زیر می توان خلاصه نمود:

۱- این پدیده ها بنا بر طبیعت و ماهیت خود پیچیده و در هم تنیده شده اند.

۲- علم ما به این پدیده ها - آنهم با توجه به طبیعت و ماهیت یاد شده آنان - محدود است،

به همین دلیل هم « تصور » ما از آنها محدود خواهد بود

۳- علوم اجتماعی که وسیله ما برای راهیابی به این پدیده های پیچیده است علمی جوان

است.

۴- تعصب علمی اجازه نمی دهد تا رهیافت ها چنان که باید سامان یابند

۵- چون این پدیده ها خودی هستند یعنی به عبارتی خود ما موضوع آن هستیم همیشه در

موردشان دچار ذهنیت می شویم.<sup>۲</sup>

هویت عامل مشترکی است که در میان اعضای یک جامعه جریان می یابد، و حد و مرزهای

جریان آن محدوده جامعه را تعیین می کند. شبکه ای از منش ها، و خوشه هایی در هم تنیده از عناصر

فرهنگی تکامل یافته است که اعضای جامعه، و کسانی که «درون» آن قرار دارند از آن برخوردارند و

به این ترتیب از مردمان بیگانه و کسانی که در «آن بیرون» قرار گرفته اند، متمایز می شوند. هویت

اجتماعی عاملی قدرتمند در کارآیی یک نظام اجتماعی است. این که اعضای یک جامعه تا چه پایه در

ارتباط با یکدیگر به قواعدی مشترک پای بند باشند، و این که تا چه پایه از مرزهای جامعه خویش

حراست کنند، به تصویر ذهنی مشترکی باز می گردد که از خویشتن خویش تصور می کنند. به همین

دلیل، دگرذیسی هویت اجتماعی، عاملی محوری و اثرگذار در تحول جوامع انسانی، و تکامل نظمهای

۲- الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، تهران ۱۳۷۸، صفحه ۳۴

جدید در بستر تاریخ است. دور از اغراق خواهد بود اگر هر دوره تاریخی مهم را به تحولی مؤثر در هویت اجتماعی مربوط بدانیم، و هر تنش اجتماعی فراگیر را سعی کنیم تا به هویت متصل سازیم.

هویت در اصل امری انفعالی است. توجه به خود، در رابطه و با توجه به دیگران و از خلال آنها معنا می‌یابد. «خود بودن» یعنی دیگری نبودن؛ با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و برکناری را نگه داشتن. این دریافت متعلق به انسان اجتماعی است و چون به واسطه و از راه دیگران معنا می‌یابد هرگاه از طرف دیگران مورد هجوم قرارگیرد و در خطر افتد قطعاً توجه بیشتری به آن خواهد شد. به عبارت دیگر می‌توان هویت را نوعی سازگاری نسبت به یک تنش در چهارچوب فرهنگی دانست. پاسخی که هر فرد و یا جامعه در قبال تنش‌های موجود و تحمیلی می‌دهد همان هویت اوست.

انسان‌ها و جوامع اساساً از طریق تماس و رویارویی با جوامع و انسانهای متفاوت نسبت به هویت خویش آگاه گشته و یا از آن پرسش می‌کنند. به بیان دیگر هویت در صورت خاص و ویژه‌اش و نه در تفحص در انزوا که در خلال مواجهه با «غیری» بیرون از حیطه هستی مای «فردی و جمعی» سر برمی‌آورد. انسان در پرتوی «دیگری» است که «خود» می‌شود و وجودی ویژه می‌یابد.<sup>۳</sup> توجه به هویت امری انفعالی است، اما نگرانی هویت داشتن امری منفی است. در اجتماعات بشری هم، ملت‌هایی که در معرض خطر قرار می‌گیرند ناچار نگران هویت خود هستند. کارکرد هویت برای ملت‌های نیرومند یا غالب نیز سیطره سیاسی- فرهنگی آنان است که نسبت به ملل مغلوب ایجاد می‌کنند.

۳- کچویان، حسن، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، ایرانی در کشاکش با تجدد و ما بعد تجدد، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴

در عرف رایج، خون و خاک را پدیده‌های اولیه‌ای می‌دانند که بی‌اختیار انسان، زندگانی‌اش را رقم می‌زنند. شکل‌گیری بشر بدون اراده خویش در یک قالب زیست‌شناختی خاص «ممیزات نژادی» و در یک محیط اقلیمی مشخص «سرزمین، وطن» تعریفی از هویت ارائه می‌کند که ناچار همراه فرد انسانی است. این ممیزات که گاه حتی بر حدود و حریم استعداد های بشری سایه می‌افکنند به همراهی تاریخ، زبان، دین، فرهنگ و... افراد انسانی را در یک محیط اجتماعی از دیگری ممیز ساخته، هویت مند می‌سازد.

بدین قرار هویت یک مقوله شدنی و حدثی است و با هویت طبیعی انسان‌ها که مبتنی بر فردیت آنهاست متفاوت است. اینجاست که می‌توان هویت را از دیدگاه های مختلف فلسفی، اجتماعی، تاریخی، دینی و ملی بررسی کرد.<sup>۴</sup>

هویت به تعریفی مجموعه خصایصی است که شخص یا احساس درونی را تعیین می‌کند، احساس هویت از مجموعه متفاوت احساس‌ها ترکیب می‌شود مانند، احساس وحدت، احساس هم‌سازی، احساس تعلق، احساس ارزش، احساس استقلال و... هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان صریح تعریف یک شیء را فراهم می‌آورد. برای تعریف هویت اشیا، ما باید برخی از خصلت‌ها را که اساسا خصایص اصلی هستند در اختیار داشته باشیم. مجموعه خصایص اصلی مبین هویت، ممکن است با یک عنصر بارز شده تکمیل شود. احراز هویت یک شیء یا شخص ایجاب می‌کند که ما آن را پیش از آن شناخته باشیم.

مراجع اساسی برای احراز هویت از دیدگاه داور شیخاوندی عبارت‌اند از:<sup>۵</sup>

۴- شعبانی، رضا، ایرانیان و هویت ملی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵، صفحه

۵- شیخاوندی، داور، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، صفحه ۱۱

۱- مراجع مادی و جسمی

۲- مراجع تاریخی

۳- مراجع روانی - فرهنگی

۴- مراجع روانی - جامعی

در ساده ترین تعاریف هویت ممیزات فردی اعم از روحی و جسمی نمایانده می‌شوند. واضح است که در هر جامعه ای فرد، مظهر نمودهایی است که هم نماینده فردیت اوست که به شخصیت تعبیر می‌شود و هم در تمام سکناات حیات خویش اطواری را نمایان می‌کند که بیانگر مشترکات اجتماعی او و به بیانی هویت جمعی اوست. هویت شخصی با منشا فردگرایی غربی پدیده ایست که در

مراجع مادی و جسمی هویت

- تعلقات: نام، حریم، اشخاص، اتومبیل، اشیا، مسکن، پوشاک

- قدرت: قدرت اقتصادی، مالی، جسمی، ذهنی

- سازمان مادی: مدیریت حریم، مسکن، ارتباطات

- ظاهر جسمی: برجستگی گروهی و تقسیم آن، صفات ظاهری، علائم مشخص

مراجع تاریخی

- تبار: بنیانگذاران، تولد، نام، بانی یا زاینده، شجره، اتحاد، خویشاوندی، اسطوره‌های آفرینش، قهرمانان پایه گذار (هویت‌های دهشی اجتماعی)

- حوادث مهم: مراحل مهم تحول، تغییرات، دستاوردها، فرهنگ پذیری یا آموزش، الگوهای گذشته

- نشانه‌های تاریخی: باورها، عادات، آداب، عقده‌ها، که در پی فرهنگ‌پذیری یا آموزش احتمالاً پدیدار می‌شوند، قوانین و هنجارهایی که از گذشته منبعت می‌شوند

مراجع روانی - فرهنگی

- نظام فرهنگی: اساس فرهنگی، اعتقادات، دین، علائم فرهنگی، ایدئولوژی، سیستم ارزشهای فرهنگی، انواع بیان فرهنگی

- طرز تفکر: جهان بینی، اشیا کانونی، طرز تلقی های اصلی (کلیدی) هنجارهای گروهی، عادات جمعی ...

- سیستم شناختی: ویژگی های روانی خاص، طرز تلقی، سیستم ارزشها

مراجع روانی - جامعی

- مرجع های جامعی: نام، سن، جنس، شغل، قدرت، حقوق، نقش، فعالیت ها، وابستگی ها

دنیا ما قبل مدرن وجود خارجی نداشته است، این اندیشه که هر کس منش (Character) و استعداد‌های ویژه‌ای دارد در فرهنگ ماقبل مدرن و اروپای قرون وسطی وجود ندارد. در اروپای قرون وسطی، تبار، جنس، پایگاه اجتماعی و دیگر صفات منتسب به هویت به طور نسبی ثابت بودند. گذر از مراحل مختلف زندگی مسلماً صورت می‌گرفت ولی این دگرگونی‌ها تابع فرایندهای نهادینه شده‌ای بودند که در تمام آنها، فرد نقشی نسبتاً انفعالی داشت.<sup>۶</sup>

از دیدگاه دورکیم وجود جمعی به احساسات و عاداتی مربوط است که مبین گروه یا گروه‌هایی هستند که ما بدان وابسته هستیم، این وجود جمعی در نهایت بخشی از هسته هویت فرهنگی و گروهی را بوجود می‌آورد؛ هویت اجتماعی که در آغاز به صورت یک مشارکت عاطفی در یک واحد جمعی است رکن و اساس تمامی هویت‌هاست. این رکن در احساس هویت به ویژه از طریق احساس‌های تعلق، ارزش و اعتماد وجود فعال پیدامی‌کند. در شرایط بحرانی جامعه نظیر انقلاب، جنگ و قوم‌آزاری هویت فردی در هویت اجتماعی ادغام می‌شود. جنگ با به خطر انداختن حیات اجتماع، فردمداری را مهار می‌کند. از دیگر سو آنچه باعث شکل دهی و انسجام هویت اجتماعی خواهد شد زمانی است که دولت‌ها سعی دارند فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف را در یک کل جبراً قرار داده و تمایزات و تفاوت‌ها را نادیده انگارند. در چنین شرایطی است که اقوام تحت سلطه بیش از پیش بر هویت خویش صحنه گذارده و خود را در شرایط تهاجم فرهنگی اعلام می‌کنند و هویت خود را در خطر می‌دانند. هویت مجموعه خصایص و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که بر ماهیت با ذات گروه به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و

۶- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، چاپ



آگاهانه از سایر گروهها و افراد متعلق به آن متمایز می‌سازد؛ وقتی از هویت گروهی صحبت می‌شود همانندی و یا شباهت آنان با یکدیگر در چهارچوب گروه مورد نظر، مطرح می‌گردد و نه اختلافات آنها باهم. ظرف زمانی و مکانی معین به موقعیت اجتماعی تعبیری شود (Social situation) که اصالت آن به انسان و فرهنگ اوست. به بیان دیگر می‌توان گفت در تعریف هویت سه مفهوم اساسی وجود دارد اول جامعه و گروههای تشکیل دهنده آن، دوم فرد انسانی و سوم فرد انسانی در درون گروه.<sup>۷</sup>

هویت از بعد اجتماعی آن با مؤلفه های متعددی شناخته شده، تبیین می‌گردد. آنچه به یک هویت صفت اجتماعی بودن می‌دهد و آن را از حیطه فردیت خارج می‌سازد در وهله اول خانواده است. خانواده به عنوان اولین نهادی که کودک در آن جمعی بودن را تجربه می‌کند جایگاهی است که زبان و دین و عشق به زادگاه که از دیگر مؤلفه‌های هویت است نمود یافته و پر رنگ می‌شود. از بستر خانواده فرد انسانی با عناصر تاریخ و قومیت و در شکل عام‌تر آن ملیت، گره خورده و به صفت هویت‌مندی اجتماعی خویش یعنی باور به اتصال به یک کل آشنا می‌گردد. از بعد روانشناسی اجتماعی سن، جنس، ایدئولوژی و خودآگاهی (awareness) دیگر پارامترهای هویت اجتماعی هستند که شاید در بعد ارزیابی هویت ملی چندان نقشی نداشته باشند اما در شکل دهی اجتماعی هویت قطعاً محسوسند.

از دیدگاه جامعه شناسی، «دین» اولین منبع هویت بخشی فرد و گروه بود و نه قوم یا قبیله یا ملت یا طبقه اجتماعی. زیرا اولین فرهنگ و بینش و تصور گروههای انسانی در مرحله غار نشینی و تا امروز، «توتمی» و «دینی» بوده است.

از دید اجتماعی و در یک چارچوب فرهنگی، ملی و قومی، زبان از دیگر عناصر هویت است؛ هویت بخشی به جماعات انسانی که گرد هم آمده‌اند با «زبان مشترک» امکان‌پذیر است که عاملی می‌شود برای توسعه همه جانبه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. کارکرد زبان چنان قوی است که برای رسیدن به دولت مطلقه و سامان بخشی یک کشور به معنای امروزی آن، زبان مشترک و نادیده انگاشتن زبانهای اقوام دیگر در چارچوب مرزهای سرزمینی نخستین عامل اغتشاش در هویت قومی اقوام و رو به ضعف نهادن آنان است که استحاله در یک کل را منجر می‌شود. برای رسیدن به آنچه هویت اجتماعی و یا در شکل سازمان یافته تر آن هویت ملی تعبیر می‌شود توجه به تاریخ، یعنی آگاهی بر امور و حوادث گذشته و علل آن و استخراج و استنتاج نتایج مشترک الزامی می‌نماید. به تعبیری گذشته ما خمیر مایه کل هویت ماست زیرا اولاً آینده نیامده، نمی‌تواند محتوای هویت کنونی ما باشد و حال نیز با سرعت به گذشته می‌پیوندد و خود نیز تاریخی می‌شود. به همین دلیل همه پدیده‌های اجتماعی و انسانی و طبیعی «تاریخی» اند. گذشته چسبیده به حال (Immediate past) و گذشته دور از حال (Distant Past) از یک طاقه‌اند و بر روی یک خط قرار دارند و هویت یک کل منسجم انسانی را در تمامی شئون بیان می‌کنند. زادگاه یا سرزمین نیز مکان و ظرف تاریخ یک ملت است که در کنار هویت بخشی تاریخ، حفظ، یکپارچگی و تداوم کل یا ملت در مرزهای آن معنا می‌یابد. اشتراک در یک یا چند عنصر هویتی افراد نظیر تاریخ، سرزمین، خون، زبان، فرهنگ و... ملت یکپارچه می‌سازد، ملتی که با یک یا چند عامل مشترک از غیر خود ممیز گردیده است.

هویت در نهایت، متغیری بنیادین و مهم است که نمی‌توان نادیده‌اش انگاشت. می‌توان در مورد ارزش و تقدس شباهت، و تنفر از تفاوت شعار داد و اخلاقیاتی زیبا برپایه آن ساخت، یا هویتی - همچون هویتی بین‌المللی- را در برابر هویت دیگری - مانند هویت ملی- نهاد و از آن دفاع کرد یا

بدان تاخت. با این وجود، یک نکته آشکار است و آن هم این که نادیده انگاشتن هویت اجتماعی کاری ناممکن است. از این روست که در میان نظریه پردازان امروز، گرایش به محوری فرض کردن مفهوم هویت اجتماعی روز به روز بیشتر می‌شود، و هیچ گرایش نظری یا اندیشمند جدی‌ای نداریم که به نادیده انگاشتن این مفهوم علاقه داشته باشد یا از چنین امکانی دفاع کند.

به تعبیری، هویت قدرت است. از این روست که در عصر کنونی ساختارهای اقتصادی و سیاسی کلان و عظیمی برای سازماندهی هویت، بر ساختن هویت، یا دستکاری هویت تخصص یافته‌اند. این وضعیتی است که همواره در طول تاریخ برقرار بوده است، چرا که بر مبنای نگاهی افراطی می‌توان تمام نهادهای اجتماعی را مولدان هویت دانست.<sup>۸</sup>

---

۸- وکیلی، شروین، جامعه‌شناسی تاریخی هویت ایرانی، نشریه سوشیالاس، صفحه ۱۳

## هویت ملی چیست؟

یک جامعه ملی نیاز به ایدئولوژی یا ایدئولوژی‌هایی دارد که بتواند هویت و شخصیت آن ملت را نشان دهد؛ یک ایدئولوژی ملی مرز و محدوده‌ها را مشخص می‌کند و افرادی را که جزء «ما» قرار می‌گیرند از غیر «ما» جدا می‌نماید و حقوق و تمایلات و آینده را در گذشته و حال بیان می‌کند. ناسیونالیسم نوعی ایدئولوژی است که اصطلاح «هویت ملی» را به وجود می‌آورد؛ اصطلاحی که در حقیقت از نقطه نظر جامعه‌شناسی تعریفی از ماهیت جمعی را به ذهن متبادر می‌کند و از نظر روان‌شناسی نوعی دعوت از افراد برای ایجاد وحدت با «ما» است که در آن بخشی از هویت و شخصیت فردی خود را نیز درمی‌یابند. ناسیونالیسم یا ملت‌گرایی را می‌توان پیدایش و ظهور نوعی آگاهی و شعور جمعی نسبت به عوامل ایجاد احساس تعلق و وابستگی مردم یک کشور به هم بیان نمود که متعاقب پیدایش و بروز این آگاهی و شعور جمعی، علائق و تعهدات همبسته‌ساز و تعلق‌آفرین ملی در قالب وفاداری به همه مؤلفه‌های همبسته‌کننده ساکنان یک وطن، برای هم‌زیستی با یکدیگر به‌عنوان یک ملت واحد، تجلی پیدا می‌کند.

برخی ناسیونالیسم را پدیده‌ی نسبتاً متأخری می‌دانند که «تاریخ پیدایش آن به اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد و منابع پیدایش آن بسیارند. اندیشه‌ی حاکمیت مردم که کل مردم را به‌عنوان دارنده حاکمیت محسوب می‌داشت و نظریه اراده‌ی عمومی روسو، نمونه‌ای از آن است.»<sup>۹</sup>

عوامل و علایقی نظیر اشتراک در تاریخ، زبان، مذهب، نژاد و قوم، سنت‌ها و رسوم و عادات و شرایط

۹- وینست اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۱، صفحه ۵۱